

کتابشناسی و نسخه‌شناسی

«مفتاح الغرر فی شرح الباب الحادی عشر» خضر بن محمد حبلرودی



۳۴۵-۳۵۷

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

چکیده: نویسنده در نوشتار حاضر، به معرفی خضر بن محمد حبلرودی از متکلمین شیعه در قرن ۹ هجری، پرداخته است. وی در راستای این هدف، نخست، زندگی نامه، حیات علمی، آثار و تألیفات حبلرودی را ارائه می‌دهد. در ادامه، کتاب مفتاح الغرر وی را مورد مذاقه قرار داده و بایان مختصری از محتوای کتاب، نسخه‌های آن را برمی‌شمارد.

کلیدواژه‌ها: نسخه‌شناسی، مفتاح الغرر، خضر بن محمد حبلرودی، معرفی کتاب، علم کلام، کلام امامیه.

**Bibliography and Manuscripts of Miftāḥ
al-Ghurar fi Sharḥ al-Bāb al-Ḥadī Ashar** by
Khiḍr ibn Muhammad Ḥablrūdī
Mustafa Ahmadi

Abstract: In the present article, the author introduces Khiḍr ibn Muhammad Ḥablrūdī, one of the Shiite theologians in the 9th century AH. In line with this goal, he first presents the biography, scientific life, works and writings of Habalrudi. Next, he examines Miftāḥ al-Ghurar's book and enumerates the manuscripts of the book with a brief explanation of its content.

Keyword: Manuscript, Miftāḥ al-Ghurar, Khiḍr ibn Muhammad Ḥablrūdī, book introduction, theology, Imami theology.

بيبليوغرافيا كتاب (مفتاح الغرر في شرح الباب الحادي عشر)
لخضر بن محمد الحبلرودي
مصطفى أحمد

الخلاصة: يقدم الكاتب في المقال الحالي تعريفاً بخضر بن محمد الحبلرودي أحد متكلمي الشيعة في القرن الهجري التاسع. وفي سياق هدفه هذا يقدم الكاتب في البداية استعراضاً لسيرة هذا المتكلم وحياته العلميّة وأثاره وتأليفاته، ثم يتناول بالبحث كتابه (مفتاح الغرر) مع بيان مختصر لمحتوياته والإشارة إلى نُسخته الموجودة.

المفردات الأساسيّة: علم المخطوطات، مفتاح الغرر، خضر بن محمد الحبلرودي، تعريف الكتاب، علم الكلام، كلام الإماميّة.

درآمد

کلام امامیه همانند همه گروه‌های فکری از معبر شماری از مدرسه‌های فکری گذر کرده است که برای شناخت تاریخ امامیه باید این مدرسه‌ها را بازخوانی کرد. شیعیان با بهره‌گیری از معارف اهل بیت و در پرتو خردورزی، حرکت فکری و کلامی خود را از مدینه و بر محور اهل بیت آغاز کردند و اصلی‌ترین باورهای شیعه در این مدرسه مطرح شد و کلام شیعه شکل گرفت.^۱

با آغاز سده دوم معارف اعتقادی در کوفه منتشر و در قالب نظریه‌های علمی تبیین شد. اصحاب امامیه در کوفه با دورویکرد مختلف به تبیین معارف اعتقادی پرداختند و دو جریان مهم کلامی را پدید آوردند. یک جریان با رویکردی کلامی به دنبال تبیین عقلانی معارف اهل بیت و دفاع از آن در مقابل جریان‌های فکری رقیب بود، اما جریان دیگر با رویکرد حدیثی به دنبال فهم دقیق همان معارف و عرضه آن به جامعه مؤمنان بود.^۲

جریان کلامی که رویکرد عقلانی و نظریه‌پردازانه داشت، با افولی زود هنگام روبه‌رو شد. همزمان جریان متن‌گرا که رویکردی حدیثی داشت، با انتقال به شهر قم، امتداد اندیشه کلامی امامیه را در مدرسه‌ای دیگر رقم زد. همزمان با غیبت صغرا و اندک زمانی پس از شکل‌گیری مدرسه قم با رویکردی حدیثی، در مرکز سیاسی جهان اسلام، یعنی بغداد جریان عقل‌گرا و نظریه‌پرداز کلام امامیه با تطوراتی نسبت به مدرسه کوفه به آرامی بالندگی خود را بازیافت که تا سده پنجم هجری این دو مدرسه کلامی (قم و بغداد) در جامعه شیعی مطرح بودند.^۳

پس از افول مدرسه شیعی بغداد در نتیجه حمله طغرل بیک سلجوقی در سال ۴۴۸ ق و پراکنده شدن علما به شهرهای مختلف عراق، حجاز، ایران و شامات، تنها مدرسه‌ای که در تاریخ کلام امامیه از آن یاد کرده‌اند، مدرسه کلامی ری است، اما ری و دیگر بلادی که علما در آن ساکن بودند، هیچ‌کدام در تراز مدارس کوفه، بغداد و قم که نقش تحول‌آفرین در کلام امامیه داشتند، قرار نگرفتند. تا اینکه در اواخر قرن پنجم (۴۹۵ ق) شهری مابین کوفه و بغداد با نام «حله» بنا شد و دیری نپایید که مورد توجه خاص علما و فرهیختگان قرار گرفت. از نیمه قرن ششم تا قرن نهم هجری (حدود سه قرن) این شهر به عنوان مرکز علمی - فرهنگی امامیه مطرح بود.

از ویژگی‌های کم‌نظیر یا شاید بی‌نظیر این مدرسه اسلامی نخست، طولانی بودن مدت برتری آن بر دیگر حوزه‌های علمی شیعه و دوم تنوع علمی و نوآوری‌های بی‌بدیل آن نسبت به دیگر مدارس امامیه بود.

۱. تطورات کلام امامیه در مدرسه بغداد، ص ۱۵ و ۱۶.

۲. همان، ص ۱۶.

۳. همان.

۴. مدرسه کلامی ری، ص ۳۰.

در این مدرسه فقه، اصول، حدیث، تاریخ، تفسیر، حکمت و فلسفه، کلام، عرفان، اخلاق، طب، ادبیات، منطق، علم الانساب و علم کلام مورد توجه بود. بنابراین این مدرسه علاوه بر اینکه تحولاتی در دیگر علوم اسلامی ایجاد کرده بود و نقش چشمگیری در بالندگی تشیع داشت، تاریخ علم کلام را نیز متحول کرد و این ویژگی برجسته این مدرسه است.^۵

چهره‌های شاخص و بزرگانی از این مدرسه برخاستند که هر کدام جزء قله‌های علم و دانش این مدرسه بودند. یکی از متکلمین و شخصیت‌های مهم این مدرسه که در قرن نهم هجری می‌زیسته است، «نجم‌الدین الشیخ خضر بن الشیخ شمس‌الدین محمد بن علی الرازی الحبلرودی» است که در ادامه به زندگینامه و حیات علمی و آثار ایشان پرداخته می‌شود.

اسم و نسب

حبلرودی^۶ خضر بن محمد ملقب به نجم‌الدین از متکلمین و محققین شیعه در قرن نهم هجری است.^۷ از تاریخ دقیق تولد او اطلاعی در دست نیست. اصل وی از حبلرود دهستانی در فیروزکوه بوده و در نجف زندگی می‌کرده است.^۸ پدر ایشان شمس‌الدین محمد بن علی الرازی حبلرودی ظاهرآ از علما بوده و آقابرگ طهرانی به نقل از کتاب به شیعه بودن ایشان تصریح دارد.^۹ زمانی که او وارد حله می‌شود، ابن فهد حلی از مدرسان مشهور این شهر بوده است.^{۱۰}

حبلرودی در نجف وفات یافت و در همانجا به خاک سپرده شد. سال وفات ایشان به قرینه تاریخ بعضی از تألیفاتش حدود سال ۸۵۰ هجری گفته شده است.^{۱۱} نسخه‌ای از کتاب جامع الاصول فی شرح الفصول وی در دست است که انجامه آن چنین است:

... إلى هنا بخط شارحه دام ظلّه وفضله، وفرغ من نسخه بفضل الله الواهب العطايا وكرمه العبد الفقير الحفيرا المذنب الراجي إلى رحمة ربه محمد بن عبدالمجيد بن فضل الله الطبري غفر الله له ولوالديه ولجميع المؤمنين والمؤمنات بحق محمد وآله الطيبين الطيبات، وصلى الله على محمد وآله الراسخين الراسخات، وكان الفراغ منه في أوائل شهر شوال سنة تسع وخمسين وثمانمائة هجرية نبوية، والحمد لله وحده وصلى الله على محمد

۵. رویکردهای کلامی و تحول آفرینی آن در مدرسه حله، ص ۵۴.
۶. حبلرودی: منسوب به حبلرود (به فتح «حاء»، سکون «باء»، فتح «لام»، ضم «راء» و سکون «واو» و «دال») دهی است بین ری و مازندران که از توابع ری است. (أعيان الشيعه، ج ۶، ص ۳۲۳؛ ریحانة الأدب فی تراجم المعروفین بالکنیة أو اللقب، ج ۶، ص ۱۳۸)
۷. ریحانة الأدب فی تراجم المعروفین بالکنیة أو اللقب، ج ۶، ص ۱۳۷.
۸. همان جا.
۹. أعيان الشيعه، ج ۶، ص ۳۲۳؛ الذريعة إلى تصانيف الشيعه، ج ۱۶، ص ۳۳.
۱۰. معجم طبقات المتکلمين، ج ۳، ص ۱۸۴.
۱۱. ایضاح المکتوب فی الذیل علی الكشف القنون عن أسامی الکتب والفنون، ج ۱، ص ۲۵۶؛ ریحانة الأدب فی تراجم المعروفین بالکنیة أو اللقب، ج ۶، ص ۱۳۸.

وآله کله.^{۱۲}

عبارت «دام ظلّه وفضله» در سال ۸۵۹ ق نشان از زنده بودن مصتّف تا این سال را دارد.

دیدگاه علماء

شیخ حرّ عاملی در توصیف حبلرودی می نویسد:

كَانَ عَالِمًا فَاضِلًا مَاهِرًا مُحَقِّقًا مُدَقِّقًا إِمَامِيًّا صَحِيحَ الْاِعْتِقَادِ.^{۱۳}

صاحب ریاض العلماء او را «فاضل عالم متکلم فقیه جلیل جامع لأكثر العلوم» می داند. همو به نقل یکی از فضلا در وصف منزلت او می نویسد:

السَّيِّحُ الْإِمَامُ الْعَالِمُ الْعَامِلُ الْعَالِمُ خَاتَمُ الْمُجْتَهِدِينَ لِسَانَ الْحُكَمَاءِ وَالْمُتَكَلِّمِينَ فَخْرُ
الْفُقَهَاءِ الْمُتَدَيِّنِينَ نَجْمُ الْمِلَّةِ وَالْحَقِّ وَالذَّنْبِ وَالذَّنْبِ.^{۱۴}

سیدحسن صدر در تکملة أمل الأمل درباره وی می گوید:

نَجْمُ الدِّينِ الْحَبْلَرُودِيِّ أَصْلًا، النَّجْفِيِّ مَسْكَنًا. فَاضِلٌ عَالِمٌ مُتَكَلِّمٌ فَقِيهٌ جَلِيلٌ جَامِعٌ لِأَكْثَرِ
الْعُلُومِ ...^{۱۵}

اساتید و تألیفات

حبلرودی در شیراز از شمس الدین محمّد فرزند میرسیدشریف جرجانی علوم معقول را فرا گرفت و تا حدود ۸۲۸ ق زمان تألیف کتاب التحقیق المبین نزد وی ماند و متخصص در علم منطق و کلام شد. سپس عازم عراق شد و مدتی نزد علمای حله تلمذ کرد. چندین سفر نیز به کربلا و حله داشت تا اینکه در نجف مستقر و کلیددار کتابخانه حرم امیرالمؤمنین (علیه السلام) شد^{۱۶} و تا پایان عمر در آنجا به تألیف و تدریس پرداخت. او تألیف را در سال ۸۲۳ ق آغاز کرد. از شاگردان ایشان در کتب تراجم نقلی نیامده است.^{۱۷} تألیفاتی در علوم مختلف (فلسفه، منطق، کلام و...) به رشته تحریر درآورد که از جمله مصتّفات ایشان به شرح ذیل است:

کاشف الحقائق فی شرح درة المنطق

شمس الدین محمّد جرجانی استاد حبلرودی کتاب کبری تألیف پدرش میرسیدشریف جرجانی را

۱۲. نسخه خطی دانشگاه تهران، با شماره ۷۰۲۵.

۱۳. أمل الأمل، ج ۲، ص ۱۱۰.

۱۴. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۲، ص ۲۳۶.

۱۵. تکملة أمل الأمل، ج ۳، ص ۱۵.

۱۶. کشف الحجب و الأستار عن أسماء الکتب و الأسفار، النص، ص ۱۴۶.

۱۷. التوضیح الأتور بالحجج الواردة لدفع شبه الأعور، ص ۵.

از فارسی به عربی ترجمه کرد و آن را درة المنطق نامید. حبلرودی این کتاب را به عنوان اولین کتاب خود شرح داد. چنان که خود مصنف در ابتدای آن تصریح کرده، آن را به درخواست شیخ محمد بن تاج‌الدین حاج خلیفه نوشته است. تألیف آن در آخر ماه ذی‌الحجه در سال ۸۲۳ ق به پایان رسید.^{۱۸}

جامع الدقائق

در منطق و شرح غرّة المنطق است. این کتاب همچون کاشف الحقائق شرح تعریب صغری فی المنطق است که استادش آن را از زبان فارسی به عربی ترجمه کرده بود.^{۱۹} به گفته مولف این کتاب بعد از تألیف کتاب کاشف الحقائق تحریر شده است. تاریخ تعریب کتاب غرّة المنطق دهه اول ربیع‌الاول سال ۸۲۴ ق است و شرح کتاب در نیمه ماه ذی‌الحجه همان سال، یعنی ۸۲۴ ق به پایان رسیده است.

القوانین

از این کتاب نیز که ظاهراً در علم منطق است، نسخه‌ای گزارش نشده است.^{۲۰} حبلرودی در انتهای نسخه جامع الدقائق برای تفصیل بیشتر به «القوانین» ارجاع می‌دهد. پس کتاب القوانین باید در فاصله بین سال‌های ۸۲۳ ق و ۸۲۴ ق تألیف شده باشد.

التحقیق المبین فی شرح نهج المسترشدين فی أصول الدين

حبلرودی کتاب نهج المسترشدين علامه حلی را که متن مختصر کلامی بود، شرح مزجی کرد.^{۲۱} صاحب ریاض تاریخ تألیف آن را در سال ۸۲۸ ق می‌داند. این نسخه در مدرسه زینیه کنار مقام صاحب‌الزمان در حله تألیف شده است.^{۲۲} از مقدمه نسخه روشن می‌شود این کتاب بعد از مرخص شدن از خدمت استاد و تشرف به عتبات عالیات نوشته شده است.^{۲۳}

جامع الأصول فی شرح رسالة الفصول

الفصول یا الفصول النصریة کتابی است کلامی نوشته محقق طوسی که رکن‌الدین جرجانی شاگرد علامه حلی آن را تعریب کرده و علمای بعد از وی این کتاب را شرح کرده‌اند. یکی از این شروح، کتاب حبلرودی است که نوشتن آن را در کربلا آغاز شد و در مشهد غروی در سال ۸۳۴ ق روز

۱۸. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۲، ص ۲۳۷.

۱۹. ریحانة الأدب فی تراجم المعروفین بالکنیة أو اللقب، ج ۶، ص ۱۳۸.

۲۰. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۲، ص ۲۳۷.

۲۱. ریحانة الأدب فی تراجم المعروفین بالکنیة أو اللقب، ج ۶، ص ۱۳۷ و ۱۳۸.

۲۲. التحقیق المبین فی شرح نهج المسترشدين، نسخه خطی، برگ ۲۷۳ ب.

۲۳. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۲، ص ۲۳۷.

جمعه در دهه اول محرم به پایان رسید. این کتاب بعد از تحقیق المبین تألیف شده است.^{۲۴}

جامع الدرر فی شرح الباب الحادی عشر

این کتاب یکی از شروح تفصیلی باب حادی عشر علامه در علم کلام است.^{۲۵} منابع کتاب شناسی تاریخ تألیف این کتاب را ذکر نکرده اند، اما با توجه به اینکه می دانیم حبلرودی همین کتاب را در سال ۸۳۶ ق هجری تلخیص کرد و آن را مفتاح الغرر نامید، می توان حدس زد که این کتاب بین سال های ۸۳۴ ق تا ۸۳۶ ق نوشته شده است.

مفتاح الغرر

ملخص جامع الدرر است^{۲۶} و در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

تحفة المتتین فی أصول الدین

در این رساله یک دوره مسائل اعتقادی به صورت اجمال ذکر شده است و همچون جامع الدرر از زمان تألیف آن بی اطلاع هستیم. از این رساله تنها یک نسخه باقی مانده است که با شماره ۸۹۰۸ در کتابخانه مجلس نگهداری می شود.^{۲۷} این رساله یک بار با تصحیح شیخ علی عزیزپوریان در انتشارات علمیه قم چاپ شده است.

التوضیح الأنور بالحجج الواردة لدفع شبه الأعور

حبلرودی این کتاب را در سال ۸۳۹ ق در شهر حلّه در رد کتابی که شیخ یوسف بن مخزوم اعور واسطی در ابطال مذهب امامیه نوشته بود، تألیف کرد. وی زمانی که برای زیارت اربعین از نجف عازم کربلا بود، در شهر حلّه مورد استقبال قرار گرفت و به درخواست محمد بن محمد بن نفع این کتاب را تصنیف کرد. صاحب ریاض کتاب او را «أحسن، أتم وأفید» از کتاب الأنوار البدریة فی رد شبه القدریة تألیف عزالدین حسن بن شمس الدین محمد بن علی المهلبی الحلبی می داند.^{۲۸} اولین بار سید مهدی رجایی در انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در سال ۱۴۲۴ ق کتاب را چاپ کرد.

حقائق العرفان فی خلاصة الاصول والمیزان

نسخه ای از این کتاب که به نظر می رسد از کتاب های کلامی حبلرودی است، موجود نیست. نویسنده

۲۴. همان.

۲۵. ریحانة الأدب فی تراجم المعروفین بالکنیة أو اللقب، ج ۶، ص ۱۳۸.

۲۶. ریاض العلماء وحباض الفضلاء، ج ۲، ص ۲۳۷.

۲۷. فنخا، ج ۷، ص ۵۹۰.

۲۸. ریاض العلماء وحباض الفضلاء، ج ۲، ص ۲۳۸.

در التوضیح الانوردو بار از این کتاب یاد می‌کند و خوانندگان خود را با آن راجع می‌دهد.^{۲۹}

الباب الحادی عشر فیما يجب علی عامة المکلفین من معرفة أصول الدین

در خصوص شخصیت متکلمان علامه حلّی (۶۴۸ - ۷۲۶ق) و جایگاه او و آثارش در کلام شیعه دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. برخی از صاحب نظران آثار متعدد و گوناگون علامه را گواه مقام منبع وی در کلام شیعه دانسته‌اند و اعتقاد دارند بدون نگارش‌ها و شرح‌های وی بسیاری از متون و مباحث کلامی پیشینیان قابل فهم نمی‌شد. برخی دیگر به دلیل نگارش‌های تکراری گونه و نه چندان نوآورانه یا به دلیل تردیدها و تغییر دیدگاه‌هایش درباره بعضی از مسائل کلامی از علامه انتقاد او را دانشوری نه چندان متکلم یا متکلمی نه چندان تأثیرگذار معرفی کرده‌اند. میراث کلامی علامه حلّی دست کم از حیث تشریح مسائل کلامی و تسهیل فهم آنها و همچنین انتقال آگاهی‌های سودمند کلامی بسیار ارزشمند و شایان توجه است. علامه حلّی در بیان مسائل فلسفی و کلامی، زبانی آسان و قلمی روان دارد و همین امر زمینه اقبال به آثار کلامی او را به ویژه شروحاتی که بر متون موجز و دشواری همچون تجرید الاعتقاد نصیرالدین طوسی و الیاقوت نگاشته، فراهم کرده است. آثار مفصل علامه همچون نهایة المرام و تا اندازه‌ای الأسرار الخفیة نیز اطلاعاتی سودمند درباره مسائل مختلف علم کلام دارد. بنابراین در مجموع، میراث کلامی علامه حلّی بخش قابل توجهی از تراش کلامی امامیه در قرون میانی را تشکیل می‌دهد که اگر آنها را از فهرست آثار کلامی آن دوره تشیع حذف کنیم، جز چند اثر معدود دیگر، تراش کلامی قابل توجهی باقی نمی‌ماند تا ما را از فکر کلامی شیعه و تطور آن در دوره میانی باخبر کند.^{۳۰}

علامه حلّی پس از اینکه مصباح‌المتهجد شیخ طوسی را ملخص و در ده باب مرتب کرد و عنوان آن را منهاج‌الصالح فی مختصر‌المصباح قرار داد، به درخواست وزیر خواجه عزالدین محمد قوه‌دی یک باب برده باب آن کتاب اضافه کرد. باب یازدهم از مختصرترین کتب کلامی علامه حلّی است که آن را برای عموم مقلدین تألیف کرده است. متن کتاب از نظر اختصار مورد توجه متکلمین و علمای بعد از علامه قرار گرفت، به طوری که تا کنون بیش از ۵۰ شرح و حاشیه بر آن نگاشته شده است.^{۳۱} از مهم‌ترین شروحاتی که بر این کتاب نوشته شده، النافع یوم‌الحشر فی شرح‌الباب الحادی عشر تألیف فاضل مقداد است.

باب حادی عشر در هفت فصل تنظیم شده است. فصل نخست در اثبات صانع، فصل دوم در صفات ثبوتی، فصل سوم در اثبات صفات سلبی، فصل چهارم در عدل، فصل پنجم در نبوت، فصل ششم در امامت و فصل هفتم در معاد است.

۲۹. التوضیح‌الأنور بالحجج‌الواردة لدفع شبه‌الأعور، ص ۷۵ و ۳۷۵.

۳۰. آینه پژوهش، نگارشی بر نگارش‌های کلامی، نهج‌المسترشدین فی أصول‌الدین علامه حلّی و شرح آن، شماره ۱۵۷، ص ۸۵.

۳۱. فنخا، ج ۵، ص ۵۴۷-۵۴۸.

کتابشناسی کتاب «مفتاح الغرر»

این کتاب که خلاصه‌ای از کتاب جامع الدرر است، شرحی است مزجی بر کتاب باب حادی عشر. حبلرودی تمام کتاب‌های شرحی خود را بر مبنای شرح مزجی تحریر کرده است. وی کتاب جامع الدرر خود را شرح کبیر نامیده و از این نظر آن را خلاصه و فوایدی را بر آن اضافه کرده است. وی در مقدمه کتاب آورده است:

هذا کتاب مفتاح الغرر لفتح الباب الحادی عشر، والإطلاع علی أنواع أنوار حدائقه وکشف عن أستار أبکار عرائسه وأصناف الزهر مترعاً لحیاض ریاضه بزالال البیان الواضح الصافی کماء المطر، ومزیناً لغصون أشجاره المثمرة ثمار السعادة بإضافة فوائد کالفرائد لمزید العلو ونمو الثمر، مختصر شرحنا الکبیر المسمی ب «جامع الدرر» لانطوائه علی خلاصة مباحث کلامیة شریفة وزید نکت حکمیة لطیفه وأجوبة شبه من خالفنا ومن کفر، اعتراضاً کانت علی أدلتنا أو إثباتاً لمعتقدة المنکر.

این کتاب همچون کتاب الباب الحادی عشر در هفت فصل مرتب شده است. وی در مقدمه خود به تفصیل به بیان اصطلاحات بیان شده در عبارات علامه حلی می‌پردازد. معرفت از منظر او در عبارت «فیما یجب علی عامّة المکلفین» یا تصویری است یا تصدیقی و معرفت تصدیقی باید با قیود «جزم، ثابت و مطابق» همراه باشد تا یقین حاصل شود، والا در «اصول دین» معرفت ظنی کاربرد ندارد.

در فصل اول در اثبات واجب الوجود به بیان مواد ثلاث، سپس به ابطال دور و تسلسل می‌پردازد. او دو دلیل بر ابطال تسلسل می‌آورد. دلیل اول وی تقریر برهان تطبیق بوده که آن را بهتر از تقریرهای بیان شده می‌داند. دلیل دوم وی که نشان از دسترسی او به چندین نسخه از الباب الحادی عشر بود، مبتنی بر مجموعه بودن جمیع ممکنات است. عبارت وی در اینجا اینچنین است:

وفي بعض النسخ هكذا: «وهو باطل؛ لأن» یاسقاط الواو العاطفة، وهو إشارة إلى إبطال التسلسل علی وجه یستلزم وجود الواجب الذی هو المطلوب بالذات.

او در ادامه بعد از اثبات واجب به طریق دور و تسلسل، دو تقریر دیگر بر اثبات واجب ارائه می‌کند که مبتنی بر دور و تسلسل نیست. این دو تقریر چنان که فاضل مقداد بیان می‌کند، از خواجه نصیرالدین طوسی و نصیرالدین کاشی^{۳۲} است.

۳۲. الشیخ علی بن محمد الکاشی الحلبي النجفي: أشارت بعض المصادر إلى أن الشیخ نصیرالدین علی بن محمد بن علی الکاشی الحلبي النجفي، قد توفي في مدينة النجف الأشرف، فقد حکى الجبایعی فی المجموعة عن خط الشهید الأول بقوله: «توفي الشیخ الإمام العلامة المحقق أستاذ الفضلاء نصیرالدین علی بن محمد الکاشی، بالمشهد المقدس الغروی فی ۱۰ رجب ۷۵۵ هـ»، و یقول الشیخ القمی: أنه العالم المدقق الفهامة من أجلة متأخري أصحابنا وکبار فقهاننا. وکان قد ولد بمدینة کاشان، ونشأ فی مدینة الحلة، واشتغل ببغداد والحلة بالعلوم الدینیة والمعارف البقینیة. و من المحتمل أنه اشتغل فی مدینة النجف الأشرف مدة من الزمن فنسب إليها. (المفصل فی تاریخ النجف الأشرف، ج ۴، ص ۱۲۶)

فصل دوم به صفات ثبوتیه می پردازد. ابتدا بیان می شود که چرا صفت قدرت و علم بر دیگر صفات مقدم هستند؛ زیرا این دو صفت نسبت به دیگر صفات اصل به حساب می آیند. در آخر بیان می کند که چرا صفت قدرت بر علم تقدم دارد؛ زیرا صفت قدرت، متضمن صفت علم است؛ یعنی قدرت مشتمل بر داعی است و داعی یعنی علم به مصلحت ایجاد و ترک. حبلرودی دلیل فاضل مقدار مبنی بر اینکه تقدم قدرت بر علم به خاطر «صنع» است را غیر تام میدانند. وی شبهات نظام، بلخی و جبائین درباره صفت قدرت را ارجاع بکتاب جامع الدرر که تفصیلی تراست می دهد. در ادامه سه دلیل برای اثبات صفت علم بیان می کند: اتقان صنع، مختار بودن خداوند و تجرد خداوند. سپس به احکام این صفت می پردازد. صفت حیا، اراده، ادراک، قدم، کلام و صدق از دیگر صفاتی است که به تبیین و توضیح آنها پرداخته است.

فصل سوم مربوط به صفات سلبيه است. عدم ترکیب، عدم جسمانیت که خود شامل عدم حلول، عدم جهت، عدم لذت و الم، عدم اتحاد است، عدم محل، عدم رؤیت، عدم شریک، نفی معانی و احوال، عدم احتیاج از صفات سلبيه ای هستند که حبلرودی آنها را تبیین کرده است.

فصل چهارم درباره عدل است. این فصل به شش بخش تقسیم شده است. بخش اول که به عنوان مقدمه است، درباره حسن و قبح عقلی و تبیین ادله و دفع شبهات آن می باشد. بخش دوم درباره ضروری بودن فعل اختیاری از انسان است. ضرورت، تکلیف ما لا یتقوا و ظلم خداوند به بندگان از جمله ادله عقلی برای فعل اختیاری است. بخش سوم «فی استحالة القبیح وإرادة القبیح علیه تعالی» است؛ زیرا خداوند نه داعی بر فعل قبیح دارد و نه اینکه علم به قبیح دارد و علمش سبب انصراف او از فعل قبیح می شود. بخش چهارم درباره این است که افعال خداوند داری غرض و حکمت است. وی با آوردن آیاتی از قرآن نشان می دهد که افعال خداوند دارای حکمت است و در ادامه به بیان ادله عقلی نیز می پردازد. در همین بخش به مناسب حکمت در افعال بحث در مورد تعریف لغوی تکلیف، ماهیت تکلیف، دارای نفع بودن تکلیف، شرایط تکلیف و وجوب تکلیف به میان آمده است. بخش پنجم لطف است. حبلرودی ابتدا تصویر روشنی از لطف و اقسام آن ارائه می کند. سپس وجوب آن را مورد مذاقه قرار می دهد. بخش پایانی درباره «فی عوض الآلام» است. ابتدا حقیقت عوض بیان شده و در آخر وجوب آن را برای خداوند در بعضی از صور ارائه شده بیان می کند.

فصل پنجم درباره «نبوت» است. بعد از تعریف لغوی نبی به بیان تعریف اصطلاحی آن می پردازد. وی تعریف علامه حلی از نبی، یعنی «هو الإنسان المخبر عن الله تعالی بغیر واسطه أحد من البشر» را بررسی می کند و قیود تعریف را تبیین و توضیح می دهد. او قید «انسان» در تعریف را عموم و خصوص من وجه با دیگر قیود در تعریف می داند. هر کدام از قیود دایره اشتمال بر نبی را کم می کند. «انسان» ملک را خارج کرده، «المخبر عن الله تعالی» انسان غیرمخبر و مخبر عن غیر الله را خارج می کند و با قید

«بغیر واسطه أحد من البشر» امام و عالم خارج می شود. این مباحث به عنوان مقدمه بیان شد. فصل نبوت دارای پنج بخش «فی بیان نبوة نبینا»، «فی عصمة النبي»، «فی بیان أنه معصوم من أول عمره إلى آخره»، «فی أفضلية النبي» و «فی بیان أنه يجب أن يكون منزهاً عن دنائة الآباء» است.

فصل ششم «فی الإمامة» است. این فصل از فصول پرحجم کتاب است. با این حال شارح تفصیل بعضی از ادله را به کتاب جامع الدرر خود ارجاع می دهد. بخش اول این فصل درباره تعریف اصطلاحی امام است. وی تفسیر فاضل مقداد درباره تعریف امامت را نمی پذیرد. همودر ادامه از دو کتاب المفصل فی شرح الحصل تألیف الإمام أبی الحسن نجم الدین علی بن عمر القزوینی الکتابی (۶۷۵ق) و الإيضاح فی شرح المصباح تألیف احمد بن یحیی حابس مطالبی را نقل کرده و رد می کند. سپس به بحث و جواب امامت می پردازد و شبهات در این زمینه را پاسخ می دهد. بخش دوم درباره عصمت امام است. وی سه دلیل بر عصمت امام آورده و آنها را توضیح می دهد. در ادامه کلامی از فاضل مقداد در مقام اینکه اجماع نمی تواند حافظ شرع باشد، می آورد و آن را رد می کند. بخش سوم درباره وجود نص بر امامت است. وی اظهار معجزه را یکی از اقسام وجود نص علاوه بر نص در کتاب خدا و بر لسان نبی می داند. بخش چهارم افضلیت است. تا اینجا مباحث امامت عامه بود که بیان شد. بخش پنجم درباره تعیین ائمه است. وی امیر المؤمنین (علیه السلام) را جانشین بر حق پیامبر می داند که هم آیات، هم روایات و هم اعجاز آن را تأیید و تثبیت می کند. او در برابر این پرسش که اگر نص بر امامت وجود داشت، چرا در امت پیامبر اختلاف ایجاد شد؟! پاسخ حبلرودی را می آورد که در اینجا وجود دواعی و اهواء است، نه عدم نص. از این جهت وی در مقام وجود نص، شروع به آوردن نصوص امامت از کتاب و روایات می کند.

فصل آخر در مورد معاد است. او هم قائل به معاد جسمانی است و هم روحانی، اما حبلرودی در ادامه معاد جسمانی را اثبات می کند. او اتفاق مسلمون بر معاد جسمانی را از ادله خود می داند. دومین دلیل بر معاد جسمانی امکان آن است و خداوند قادر بر آن و دلیل سوم آیاتی است که او در اینجا از قرآن ذکر می کند. عذاب قبر، صراط، میزان، توبه، شفاعت، امر به معروف و نهی از منکر از دیگر مسائلی است که در این فصل بیان شده است.

همان گونه که بیان شد حبلرودی در این کتاب، هم به دیگر نسخه های الباب الحادی عشر دسترسی داشته و هم در مقام نقد به آراء فاضل مقداد توجه داشته است. همچنین آراء نصیرالدین طوسی، نصیرالدین کاشی، دبیران کاتبی و احمد بن یحیی حابس را نقل و بررسی کرده است.

نسخه شناسی

برخلاف جامع الدرر که تنها دو نسخه از آن باقی مانده،^{۳۳} از کتاب مفتاح الغرر نسخه های بیشتری

باقی مانده است. نسخه‌های شناسایی شده از کتاب مفتاح الغرر در ایران ۵۳ عدد است.^{۳۴} این نسخه‌ها در کشور عراق ۱۲ عدد ذکر شده است.^{۳۵} به همین دلیل ما در این گفتار به معرفی پنج نسخه استفاده شده در تصحیح کتاب^{۳۶} می‌پردازیم.

۱. همدان، مدرسه غرب: شماره نسخه: ۱۰۳۴۳/۳

کاتب: حسن بن شمس الدین آملی، تاریخ: ۸۳۲ق، قطع: بیاض رقی [رشت و همدان: ف-۱۵۹۹]^{۳۷}
این اطلاعاتی بود که فتخا در اختیار ما قرار داد. تراجم نویسان از شرح حال کاتب چیزی ثبت نکرده‌اند. این نسخه دارای رکابه و حاشیه است. نکته قابل توجه در این نسخ این است که تاریخ ذکر شده در انجامه آن خط خوردگی دارد. چنان که بیان شد، کتاب مفتاح الغرر در ۱۲ رجب سال ۸۳۶ق تألیف شده است، در حالی که تاریخ تصنیف این نسخه سال ۸۳۲ق ثبت شده است.

۲. قم، مرعشی، شماره نسخه: ۸۶۶/۱

خط: نستعلیق نازیبا، کاتب: محمد بن علی بن علی بن محمد بن طی، تاریخ: پنج شنبه ۸ ربیع الاول ۸۵۸؛ مصحح، مقابله شده، تملک: جمال الدین بن عبدالکریم حسینی عاملی؛ مهر: «عبده علی بن ابراهیم» (بیضی)، «العبد عبدالله» (بیضی)؛ جلد: تیماج؛ ۴۰ گ، اندازه: ۱۳*۱۸ سم [ف-۳-۵۷]^{۳۸}
صفحه اول این نسخه نونویس بوده و کاغذ آن با دیگر صفحات تفاوت دارد. نسخه دارای رکابه و حاشیه است. نویسنده حاشیه مطالبی را از شرح تجرید در مقام مقایسه آراء علامه و حبلرودی بیان کرده است^{۳۹} که با رمز «ه-» نشانه‌گذاری شده است. در انتهای نسخه از همین حاشیه نویس عبارت «بلغ قبلاً فصیح بحسب الطاقه بنسخ بعضها منقول من خط المصتف و بعضها مقابل مع المصنف إلا ما زاغ عنه البصر وحسره النظر» دیده می‌شود.

۳. قم، مرعشی، شماره نسخه: ۱۱۰۷۴

خط: نسخ، کاتب: غیاث بن موسی بن شیخ علی ماکانی، تاریخ: پنج شنبه ۲۵ شوال ۹۰۶ق؛ محشی، جلد: ساغری، ۸۷ برگ، ۱۴ سطر، اندازه: ۸/۵*۱۷ سم [ف-۲۸-۱۱۰]^{۴۰}

۳۴. فنخا، ج ۳۰، ص ۸۳۶ تا ۸۳۹.

۳۵. معجم المخطوطات العراقیة، ج ۱۵، ص ۲۰۷-۲۰۸.

۳۶. کتاب مفتاح الغرر فی شرح الباب الحادی عشر به زودی از طرف مرکز علامه حلی وابسته به عتبه حسینی به چاپ خواهد رسید.

۳۷. فنخا، ج ۳۰، ص ۸۳۶.

۳۸. فنخا، ج ۳۰، ص ۸۳۶.

۳۹. برگ ۸ پ.

۴۰. فنخا، ج ۳۰، ص ۸۳۶.

این نسخه نیز دارای رکابه بوده و در بیشتر صفحات به دلیل صحافی از بین رفته است. حاشیه‌هایی به عربی و فارسی در آن موجود است. در یکی از صفات نسخه عبارت «کتبه محمد» دیده می‌شود.^{۴۱}

۴. قم، مرعشی، شماره نسخه: ۱۵۰۷۵/۳

خط: نستعلیق، کاتب: محمد بن المشوم (المسموم) الحسینی، تاریخ: اواخر جمادی الاوّل ۹۲۹ ق، جا: الجزائر،^{۴۲} مصحح، محشی با نشان (۱۲)، س ح ن، ۳۹ برگ، ۱۷ سطر، اندازه: ۱۱*۶ سم، [ف: ۳۸-۱۸۶]

این نسخه از نسخه‌هایی است که در آن به تاریخ تألیف و مکان اتمام کتاب اشاره کرده است. عبارت کاتب بدین صورت است:

تم هذا الانتخاب بعون الملك الوهاب ضحوة يوم الخميس الثاني عشر من شهر رجب
لسنة ستة وثلاثين وثمانمائة هجرية في حرم مولانا امير المؤمنين على عليه السلام.

۵. مشهد، الهیات، شماره نسخه: ۲۲۷۴۷/۲

خط: نسخ، کاتب: رفیع‌الدین محمد بن جلال‌الدین محمد کلویه، تاریخ: محرم ۹۹۱ ق. مصحح،
مقابله شد، تملک: غلامرضا بن علی اکبر بروجردی مورخ ۱۳۶۵ ق، کاغذ اصفهانی، جلد: مقوا، ۳۴
برگ، ۱۸ سطر، اندازه: ۱۲*۵/۱۸ سم، [ف: ۳-۱۷۹]

رساله اوّل این نسخه شرح باب حادی عشر تألیف فاضل مقداد است. تاریخ کتاب این شرح صفر
سال ۹۸۶ ق است. در انتهای رساله اوّل گواهی تصحیح و مقابله نیز به چشم می‌خورد، اما رساله
دوم که مفتاح الغر است و کتابت در تاریخ شب چهارشنبه از ماه محرم سال ۹۹۱ ق به اتمام رسیده
است. در انتهای نسخه عبارتی از کتاب تحصیل النجاة فی أصول الدین^{۴۳} فخرالمحققین درباره
تعریف ایمان بیان شده که از علامه حلّی نقل کرده است.

۴۱. برگ ۵۸ ب.

۴۲. الجزائر: اسم يطلق على منطقة كبيرة تمتد من المدينة (التابعة للبصرة) إلى سوق الشيوخ وضواحي الناصرية والعمارة في جنوب العراق، هذا ما ذكره رياض الناصري في مقدمته لكتاب «حاوي الاقوال» أما صاحب «روضات الجنات» فقال: الجزائر هنا عبارة عن الناحية الكبيرة والقرى المتصلة الواقعة على شفير نهر تستربينها وبين البصرة، حسنة الرباع والإقطاع.

۴۳. تحصیل النجاة فی أصول الدین، ص ۳۲.



پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی